

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اسم امام علی ع در قران

بین وہابی و سید عباس

وهابی ::::::::::

برادرم اولا در شناخت اصول دین ، ارکان ایمان و احکام و فروع دین و قصص قرآنی علم کافی کسب کنید و بعد بباید مبانی اعتقادی را شرح دهید. و حتی در

رساله های عملیه مراجع خودتان را مطالعه کنید که در اول هر رساله مراجع ذکر می شود که اصول دین قابل تقلید نیست . و احکام خمس و زکات و حج و ...

قابل تقلید است. و به اعتراف خود شما که قران تبیانا لکل شی است پس باید یک اصل از اصول دین واضح و روشن با نام و تعداد امامان ذکر می شد و خوب است

که شما اعتراف می کنید امامت منصوص الهی و نام و تعداد امامان در قران نیامده و فقط در حدیث غدیر کلمه مولا امده و اگر ادامه حدیث را مطالعه کنید نوشته الهم وال من والا و عاد من عادا موضوع را برای هر ادم عاقلی روشن می کند که مسئله دوستی و دشمنی است نه جانشینی و امامت منصوص الهی و اینکه شما می گویید اگر نام علی در قران می امد او را تحریف می کردند یا حذف می کردند پس شما به اینکه

خداآوند قادر متعال می گوید من حافظ قران هستم

(9) اعتقاد ندارید !!!! و اگر نام و تعداد امامان در قران می امد .

مثل نبوت پیامبر ، صدھا نفر قاریان قران بودند و چندین نفر از جمله حضرت علی کاتبان قران بودند و خود حضرت علی به ان ایاتی که نام و تعداد امامان نازل شده بود در جاهای مختلف برای امامت منصوص الهی خودشان استناد می کردند و امروز ان استنادات حضرت علی به ایات امامت منصوص الهی در نهج البلاغه موجود می بود . و در زمان خلافت خودشان ان قران را به تعداد زیاد کتابت و در بین مردم منتشر می کردند که مردم در مسئله امامت پس از فوت یک امام دچار سردرگمی نگشته و بعضی سه امامی و بعضی شش امامی و گروه های دیگر بوجود نمی امد . و نام و تعداد امامان واضح و روشن برای مردم بود . و بزغاله عایشه هم از مان مرده بود !!! و چون حضرت علی در زمان خلافت خودشان تعداد زیادی قران منتشر کرده بودند بزها نمی توانستند بخورند!!!!

برادر سید عباس ::

جناب وهابی ما از شما سند متقن خواستیم اما متأسفانه باز هم به سیره عمریه عمل نمودید تا سیره نبویه، زیرا مدام در حال فرار از پاسخ هستید، شما می گوید قران برای کسب منابع اعتقادی هست ما گفتیم داستان نوح و کشتیش و هدھد چه ارتباطی با اعتقاد دارد و بعد شما برای ما از کتب مراجع سخن می گوید، این هست واقعا منطق شما پیروان سقیفه؟

ما می گوییم شما اگر معتقد و ملزم به قران هستید چرا در صدق الله علی العظیم ، علی را تحریف هی کنید حال انکه از ایات قران هست، می گوید در ایه ۹ فلان امده هست، پس بنابر این شما قائل بر عدم قدرت خدا هستید زیرا شما در قرائت تحریف می کنید، خداوند اگر قادر بوده چرا کتب ادیان تحریف شده است؟ چرا از تحریف انها نتوانست جلوگیری کند؟

ما می گوییم اگر نام علی در قران می امد شما هم همان طور که غدیر را کژی معنا می کنید علی را هم

بلند مرتبه معنا می کنید شما می گوید مولا یعنی دوست

حال انکه علمای شما خلاف ان را می گویند مانند سبط ان جوزی(تذکرہ الخواص، ص ۳۸) و امام غزالی(مجموعہ رسائل غزالی. ص ۴۸۳) که اعتقاد به حکومت و خلافت را داشته اند و تا جایی که سبط بن جوزی می گوید هذا نص صریح فی اثباته امامه و قبولی طاعه، اگر مولا یعنی دوست شما با تعبیر اینکه ولی امده چه می کنید؟

خود والاه و عاده دوستی و دشمنی را تعریف می کنید دیگر نیازی به اوردن مولا نبوده که همان تعبیر دوست دهد دوستی را پیغمبر قبلاً تعریف نموده بوده من احباب علیاً فقد احبنی(ر.ک المستدرک علی الصحّیحین ج ۳ ص ۱۳۰) بعد اینکه اگر قرار باشد دوست را تعریف کند از تعبیر خلیل و حبیب استفاده می کردد و نه مولا، شما عاده و والاه را خواندی چرا اول روایت را قیچی کردی؟ چرا البیت اولی به انفسهم را نخواندی؟ پیغمبر در ابتدا اقرار به تصرف می گیرد و سپس بحث ولایت را مطرح می کند، ضمن اینکه دست بیعت عمر هم مهر بطلانی بر ادعای شما هست زیرا عمر می گوید اصبحت الیوم، یعنی تا دیروز در این ۲۳ سال مولا علی دشمن مومنین بوده؟ حالا از امروز دوست شده؟ یا نه مبحث مهم تری را مطرح می کند؟ عمر حکومت و خلافت فهمیده شما چرا ملزم به فهم عمر نیستی؟ ضمن اینکه اگر قرار باشد دوستی را معرفی کند یعنی دوستی فقط با علیع باید باشد و نه افراد دیگر زیرا پیغمبر از همه بیعت دوستی برای علیع می گیرد و نه کس دیگری ضمن اینکه این روایت با تعبیر ولی هم با سند صحیح امده اما حضرت عالی یک فرهنگ لغتی دارید که گویا اختصاصی هست

بزغاله عایشه شاید در حکومت مولا علیع مرده بوده اما در زمان عایشه زنده بوده و طبق قول عایشه قران را خورد حالا شما یک صحبتی با عایشه بکنید ببنید بعد ببنیم که خدا قدرت داشته جلوی یک بزرگیرد یا نه، ھھھھھھھھھھھه(ر.ک داستان آیه ای که بزغاله عایشه خورد سنن ابن ماجه ج ۶۲ ص ۷۲)

مطلوب را دوباره تکرار می کنیم، شما فرمودید قران برای اعتقاد هست، حال انکه از داستان هدد و نوح و هرچه که بخواهید سخن گفته است، که شما در نقض قران سخن گفتید بماند، اما یک ایه از قران برای ما نیاوردید که اثبات کند ما فقط باید اعتقادات را از قران بگیریم و نه فروع را زیرا فروعات نیز در قران امده که همین مهر بطلانی بر تمامی مطالب شما هست

مطلوب بعدی ما این بود

خداآوند در زمان منازعه ما را به سنت ارجاع می دهد حالا چرا شما ملزم به ایات قران نیستید اگر پیرو قرآنید؟

مطلوب بعدی ما این بود

اگر نام علی در قران می امد از کجا معلوم حضرت عالی مانند عمر در پایان عمر پیغمبر کفر نمی گفتید و واگویه نمی کردید ان الجبرائیل لیهجر که راهی پیدا شود برای خروج مردم از اسلام همانگونه که عمر منکر قران شد شما هم می شدید که تا کنون ما اثبات کرده ایم شما منکر قران هم هستید

مطلوب بعدی این بود

وقتی شما می گویید نام علی باید می امد چه بسا که نام علی را در پایان و ختم سوره وقتی حذف می کنید
تلاش می کردید برای حذف همین ایات همان گونه که در قرائت ایات را حذف می کنید وقتی شما در
قرائت هوالی العظیم را تحریف می کنید پس در قرائت هم نام علی را تحریف می کنید که همین موضوع
بینه ای اشکار برای اهل حق هست

مطلوب بعدی این بود همان طور که مولا را به دوست میگیرید علی را هم بلند مرتبه می گرفتید و اینگونه
مناقشه می کردید
مطلوب بعدی این بود
همان گونه که خدا توانایی این را نداشت جلوی بزغاله عایشه را بگوید می امددید یک بزکوهی می اوردید که
نام علی را هم بخورد
مطلوب جدید تر

اگر قرار بود با امدن نام این انحرافات جلویش گرفته می شد سوال پیش می اید کیفیت وضو که در قران
امده چرا باز هم بین فرقین اختلاف هست، این مسئله نیز بینه ای دیگر هست برای اینکه نام نمی تواند
حلال مشکل باشد مطلب جدیدتر یک ایه از قران بیاورید که اگر نام امام در قران نیاید مهر بطلان بر امامت
یک شخص هست مثلا نام همه انبیا در قران نیامده پس همه انبیا به جز ۲۷ نفر که وارد شده بر باطل
هستند حالا شما یک سند بیاور چونه بقیه نیامده برباطل نیستند و یا اینکه نام مولا نیامده بر باطل هست
متاسفانه شما عوض پاسخ مثل همیشه فرار کردید اما ما منتظر نقد علمی هستیم و نه نقدی که مانند میزان
علم عمر باشد که می گوید کل ناس افقه من عمر، خواهشا برایمان ثابت نکنید که جماعت عمری میزان
سوادشان برگرفته شده از عمر هست زیرا کل نس افقه من جماعه عمری، ھھھھھھھھھھھھھھھھھھھھھھھھھھ
ثبت کنید

جناب وهابی ما از شما تقاضا داریم بحث عالمانه کنید و نه از تکنیک فرارکننده گان احد استفاده کنید
فررت حتی صعت الجبل لقد رایتنی انزو کانی اروای نقد علمی کنید تک تک مطالب ما را خواهشا

وهابی:::::::::::

اینکه می گویید من سند بیاورم برای گفته ام که اصول دین را از قران می گیرم و قران اصول دین را تبیین
و مشخص می کند من که برای شما سند ارائه کردم که
در اول تمام رساله های عملیه ، خود مراجع شیعه هم می گویند اصول دین قابل تقلید نیست. و احکام
فروعات دین قابل تقلید است پس شما حتی به رسائل مراجع

خودتان نیز مراجعه نکرده اید!! و گفته اید در قران می خواندید امامت ابا عبدالله را اشکال نمی کردید
برادرم من صدها بار قران را مطالعه کرده ام ایات نص و صریح و روشن مثل نبوت و معاد و توحید برای
امامت ندیده ام و اگر شما ادرس دارید لطفا ادرس این ایات را برایم بنویسید و کلی گویی نکنید و اتهام
بغض و کینه به اهل سنت به اهل سنت نمی چسبد چون تمام کتب اهل سنت فضائل اهل بیت را بیان کرده

اند و تهمت زدن برای تخریب شخصیت افراد دیگر کهنه و قدیمی شده است و برای مردم ۱۰۰ سالقبل خوب بود و نه برای مردم فهیم و با شعور امروز و اینکه گفتید که حضرت عیسی در کودکی اش به نبوت رسیده خود شما ادرس ایات را داده اید برای امما نیز ادرس ایات را با نام و تعداد امامان بنویسید که حرف با سند زده باشید نه از روی تعصب.

برادرم سوال کننده در مورد امامت منصوص الهی از قران با ایات روشن و واضح من بوده ام ولی شما مثل اینکه فریب کاری می کنید و خود را طلب کار نشان می دهید و سوال کننده !!! . و من به شیوه قران عمل کرده ام (۱۸ زمر) و اینکه میگویید صدق الله العلی العظیم در قران امده لطفا ایه ای با همین کلمات و حروف نه اینکه از جاهای مختلف در کنار هم قرار بدھید و خودتان یک ایه بترا شید مثل عبدالله بن سبا یهودی ادرس ایه را برای من بنویسید . پس برادرم اینکه من گفتم خداوند در ایه (۹ حجر) گفته من حافظ قران هستم مستند به قران گفتم ولی شما در جواب گفتید اگر خداوند قادر بود چرا کتب گذشته تحریف شده پس شما خودتان اعتراف کردید ، که خداوند قادر متعال را قبول ندارید !!! و قدرت خدا را نشناخته اید !!! ونمی دانید که خداوند در ان کتب حفاظتشان را بر عهد نگرفته و ایه ای در این رابطه وجود ندارد . و قران جامع و تمام کننده ادیان نازل شده است و خداوند حفاظتش را بر عهد گرفته است (۹ حجر) و در جواب اینکه می گویید نام علی اگر در قران می امد تحریف می کردند . وقتی نام ۱۲ امام و سلسله نصب شان در قران می امد هیچ کسی نمی توانست ان را تحریف کند حتی عبدالله بن سبا یهودی !!! و اگر نام و تعداد امامان در قران می امد حتما حضرت علی در زمان خلافتشان ان قران را به تعداد زیاد در بین مسلمین انتشار می دادند . اما برادرم حدیث پیامبر تبیین کننده ایات واضح و روشنی که در قران امده می باشد و حدیث پیامبر به تنها ی اصلی از اصول دین را نمی تواند ایجاد کند و باید یک اصل و حکمی از احکام الهی واضح و روشن در قران بیان شده باشد تا پیامبر با سنت عملی و گفتاری ان را برای مردم تبیین کرده باشد . در جواب اینکه می گویید عمر گفته اصبحت الیوم برای این بوده که بین حضرت علی و تبریک می گوید . ولی دشمنان انها از غصه و غم هلاک می شوند . شما بحث بزغاله عایشه را مطرح کردید و شما شروع کردید به خاله بازی و جوانی واضح و روشن مستند به قران برای سوال من نداشتید و هنوزم هم ندارید و بحث های خاله بازی را ادامه می دهید و بعد دو مرتبه سوال اساسی خودم را که شما از پاسخ روشن و واضح مستند به ایات صریح قران فرار می کنید تکرار می کنم چرا برای معرفی دشمنی ابو لهب با پیامبر یک سوره کامل با نام ابو لهب در قران وجود دارد ولی از امامت که به گفته شما یک اصل دینی است با نام و تعداد امامان وجود ندارد ؟ برای معرفی چگونگی تولد عیسی و معرفی داستان یوسف و داستان نوح ایات صریح واضح و روشن در قران وجود دارد ایا مسئله امامت که به گفته شما یک اصل از اصول دین است ارزش ان کمتر از این مسائل بود که با ایات واضح و روشن و با نام و تعداد امامان در قران نیامده است با توجه به اینکه خود خداوند قادر متعال حفاظت قران را تضمین نموده است . منتظر جواب با دلیل و مستند به ایات قران ، در رابطه با امامت منصوص الهی هستم . و همچنین تشکر ویژه می کنم از اقای حسینی قزوینی که با ایجاد

شبکه های تلویزیونی و سایت های مذهبی باعث شدند که عوام مردم اهل سنت به مطالعه و تحقیقات مذهبی رو بیاورند و انشاءالله که تنور این بحث های مذهبی را همیشه داغ نگهدارید و در غیر اینصورت عوام اهل سنت به دنبال کارهای روزمره خود می روند

من گفتم اصول دین را از قران می گیریم و اصول دین در قران واضح و روشن بیان شده است توحید ، نبوت و معاد و حتی ارکان ایمان هم در قران واضح بیان شده

است (ایه ۱۷۷ بقره) و فروعات هم در قران بیان شده است مثل نماز ، حج ، زکات و ... و من گفتم احکام فروعات را از سنت می گیریم . اگر عمر به گفته شما در پایان عمر کافر شده است چطوری حضرت علی مشاور وی در کارهای خلافت بوده!!! و فرزندانش امام حسن و امام حسین در لشگر عمر برای فتح ایران و مصر حضور داشتند !!! و چگونه حضرت علی دختر خود ام کلثوم را به یک کافر داده است!!! و چندین سال پشت سر یک کافر نماز خوانده است !!! و من نگفتم تنها نام علی و من گفتم نام و تعداد امامان به طور

صریح و واضح و روشن . و باز هم شما اعتراف کردید که خداوند قادر متعال نیست و نمی تواند جلوی یک بز را بگیرد و در یک جا می گویید صدق الله العلی العظیم در قران امده و شما تحریف کرده اید (که منتظر ادرس ان ایه می باشم) و جای دیگر هو العلی العظیم لطفا تکلیف خود را روشن کنید و هو العلی الظیم در (۲۵۵ بقره و ۴ سورا) وجود دارد اما صدق الله العلی الظیم را برای من ادرسش را بدھید . گرفتن وضو در فریقین اهل سنت یک اصلی از اصول دین نیست ولی متاسفانه شما عوض اینکه مستند به قران پاسخ به سوال اساسی من بدھید (اصل امامت منصوص الهی) شروع کرده اید به تهمت و فحاشی و انحراف موضوع مورد بحث . خود این نشان دهنده ای این است که ایات نص و صریح و روشن و واضحی برای اصل امامت که از اصول دین باشد وجود ندارد و حاضرید زمین و اسمان را با رسیمان پوسیده ای به هم ببافید و بحث را به انحراف بکشانید و همچنین تشکر ویژه می کنم از اقای حسینی قزوینی که با ایجاد شبکه های تلویزیونی و سایت های مذهبی باعث شدند که عوام مردم اهل سنت به مطالعه و تحقیقات مذهبی رو بیاورند و انشاءالله که تنور این بحث های مذهبی را همیشه داغ نگهدارید و در غیر اینصورت عوام اهل سنت به دنبال کارهای روزمره خود می روند.

برادر سید عباس::

اقای عزیز، بنده از علمای ما سوال نکردم و بنده از شما سوال می کنم، هر وقت من از علمای پرسیدم شما اقوال علمای برای من بیار، من از شما یک سوال ساده پرسیدم می گویم همان طور که شما میگوید از قران نام علی را بیار من هم می گویم از قران یک ایه بیار که بگوید باید نام امام و نبی در قران باشد که اگر نباشد امامت و نبودت او بر باطل هست، ایه ای بیار که به قول خودت از محکمات باشد، فرار نکن، پاسخ من را بدھ ضمن اینکه علمای گفته اند اصول تحقیقی هست و تقليیدی نیست، خوب این چه ربطی به سوال من دارد؟ ایا علمای گفته اند اگر نام علی در قران نباشد امامت او باطل هست؟ بنده فارسی حرف می زنم می گویم یک ایه صریح بیاور که بگوید اگر نام یک امام و پیغمبر در قران نیست پس مهر و خط بطلان هست بر نبوت و امامت این شخص، شما که شمایی کل علمایتان جمع شوند عاجز هستند از پاسخ به سوال ما، شما اول باید

سوال ما را پاسخ دهید یعنی اول اثبات کنید که اگر نام امامی در قران نباشد مهر بط LAN هست فلذا ما برای شما نام بیاوریم و گرنه ادعای شما باطل هست، اگر قران باشد نام کفایت کند پس اهل سنت از امروز بگویند نماز، زکات، هد هم جز اصول دینشان هست ههههههههههههههههههه

عاجز بد همه شما ها از پاسخ به تحدي من فلذا راهی برای برون رفت ندارید

اتفاقاً ما از قدرت خدا شناخت داریم ای شما و مادرتان عایشه بوده است که خبر از قدرت خدا نداشته و یک بزکوهی را برتر از قدرت خد می دانید و امد قران را خورد، ضمن باز شما پیروان عمریه در پاسخ به تحدي شیعیان کم اور دید متول به کعب الاخبار یهودی بنیان گذار شدید؟ ههههه از ابن سما می گویی از کعب الاخبار هم بگو ههههه

در مورد صدق الله گفتی، اول اینکه بحث من بر سر العلی العظیم بوده است و نه صدق الله، خداوند در دو ایه اشاره به این موضوع دارد سوره ۲۵۵ یقره و ۳ سوره شوری که می فرماید و هو العلی العظیم هو ضمیری هست که به خدا بر میگردد الله العلی العظیم، خوب شما چرا این علی را تحریف می کنید و علی را می خورید؟ یعنی شما خدا را بلند مرتبه نمی دانید؟ نستجویو بالله؟ یا اینکه از بغض و کینه نسبت به مولا علی را همان علی مورد نظر می دانید و تحریف می کنید؟ فلذا همین بینه محکمی هست که خداوند نام مولا را نیاورد زیرا ممکن بود بزکوهی بیاید ایات را مانند بزغاله بخورد در نتیجه خداوند چون می داشت مردم منحرف می شوند نام مولا را برداشت و از طریق مصادیق نامش را به ما نشان داد

متاسفانه مجدد امید از هد هد و عیسی و موسی سخن گفتید که اینها بدرد ما نمی خورد زیرا اول نقض شما هست که ادعا کرده بودید قران برای اعتقادات هست حال انکه هدد و سلیمان و تخت بلقیس و لقمان ارتباطاتی را اعتقادات مسلمانان نیاورده است، من تحدي کردم و گفتم یک ایه صریح بیاورد که اگر نام انبیا در قران نیاوده یعنی انها بر باطلند فلذا نام عیسی و موسی امده جون نام بقیه انبیا نیامده طبق دیدگاه شما همه بر باطلند فلذا از انبیا گذاشته ای که طبق دید شما بطلند هم دقاع کن

اما مجدد اصبح الیوم را گفتی، مولا علی مناقب بسیار دارد اما هیچ کدام را پیغمبر ۱۲۰ هزار جمع نکرد که همه بهاو تبریک بگویند فلذا علمای شما چون امام ذهبی و سبط بن جوزی خلافت فهمیده اند همان گونه که عمر فهمیده است زیرا می گوید تو از امروز دوست من هستی، یعنی تا این ۲۳ سال عمر دشمن مولا

بوده است؟ پس کارش خراب می شود زیرا مولا علی ع علی من وانا من علی هست یعنی عمر دشمن پیغمبر بوده است اما علت اقامه ما به مسئله غدیر این بود که بگوییم وقتی شما مسئله ولایت را دوستی معنا می کنید مسئله نام علی در قران را هم به معنای بلند مرتبه معنا می کردید همان گونه که یا نام علی را تعزیز می کنید مانند العلی العظیم و یا اینکه نام مولا را بلند مرتبه تعریف می کنید و به طریق اولی ولایت در غدیر را دوست معنا می کنید حال انکه ولی به معنای ولایت هست همان گونه که ابوبکر و عمر به ان اقرار داشته اند و دوست به معنای حبیب و خلیل هست

شما فرمودید اصول دین را از قران می گیرید و همچنان فروع چون نماز وغیره، اولا شما بمن بگو در کجا قران نوشته معاد و نبوت و توحید از اصول دین هستند؟؟؟؟ دوما شما که می گفتی قران برای

اعتقادات هست و نه فروعات الان یهود قرآن برای فروع هم شده است؟ ثانیا در کجای قرآن نوشته نماز و زکات فروع هستند، فلذا من ادعا می کنم همان گونه که توحید امده و شما جز اصول می دانید بنده می گوییم نماز هم و زکات هم که نامش امده جز اصول هستند ایا شما می توانی اثبات کنید که کدام از اصول هست و کدام از فروع؟

آخرش هم رسیدی به اوهامات همیشگی که پیروان عمر می گویند چون وجود حسنین علیهمما سلام در جنگ عمر، او لا که این مهم‌باقی ها ربطی به بحث ما ندارد دوما خوب اگر مولا علی ع، عمر را دوست داشت چرا خودش شرکت نکرد؟ دوما روایت حسنین علیهمما سلام هم در کتب شیعه سندی صحیح ندارد همان گونه که امام خمینی در کتاب مکاسب المحرمه خودشان فرمودند سند صحیح ندارد دوما اینکه نقل ان در کتب عامه هم در تاریخ طبری امده ان هم دو روات دارد که یکی مجھول و یکی ضعیف هست قبل از خودم انرا بررسی کردم و بعد هم رسیدی به مطلب ازدواج ام کلثوم که این هم روایت صد در صد صحیح ندارد زیرا مطالبش واحادیش مضطرب الحديث هست و فاقد ارزش علمی اما از ان طرف امام نووی بزرگ‌ترین شارح صحیح مسلم در کتاب رجالیش تهدب الاسما در مورد ام کلثوم صحبت می کند که می گوید دختر ابوبکر هست و در پایان می گوید هذه ام کلثوم تزوجها عمر بن خطاب، یعنی عمر داماد ابوبکر هست و در کتب شیعه هم جایی پیدا نمی کنید که این ام کلثوم دختر خونی مولا هست فلذا این ادعای شما هم باطل هست ضمن اینکه ازدواج مطلبی بر فضیلت تراشی نیست همان گونه که حضرت لوط در مقابل کفار فرمودند قال هولا بناتی ان کنتم فاعلین (سوره هود آیه ۷۸) این دختران من برای شما کفار حلال هست ضمن اینکه شما مقام نبوت را از امامت پایین تر می دانید حالا اگر هم بالاتر باشد از دیدگاه شما وقتی یک نبی دخترش را به یک کافر می دهد از یک امامی که معصوم نیست و هیچ هقامی ندارد برای شما مطلبی را اثبات نمی کند تازه شما عاجزید از اثبات این مسئله ههههههههههه

سوما اگر مولا ارتباط خوبی داشت عمر و ابوبکر را منافق نمی دانست فرایتمانی کاذبا اثنا خائنا و غادر (ر.ک صحیح مسلم حدیث ۳۳۰۸)، البته چون بنده با مخالفین زیاد به این روایت احتجاج می کنم و تنها اشکالی که ناصبیان و اهل سنت بر این نکته دارند به کار بردن همین تعابیر از عباس به مولا هست و پیشاپیش من پاسخ را می دهم که زحمت رکشی برایم تایپ کنید، او لا که اگر هم عباس گفته باشد به ما ربطی ندارد چون عدالت صحابی را بر باد داده، دوما ما می خواهیم عقیده مولا نسبت به خلفا را برای تان اثبات کنیم که این کار را هم کردیم فلذا دیدگاه عباس برای ما معنا ندارد چون شما معیارتان دیدگاه مولا نسبت به خلفا بوده لحظا دید عباس برای ما ارزشی در این موضوع ندارد و ما به این موضوع کار نداریم، سوما فحش به مولا علی ع نقص بر مولا نیست بلکه نقص بر عباس هست زیرا مولا معيار حق و باطل هست قال رسول الله ص: من سب عليا فقد سبني (المستدرک على الصحيحين - ج ۳ ص ۱۳۰ حدیث ۴۶۱۵)، فحش دهنده

متضرر هست و نه مولا علی ع

مولا علی خلفا را منافق می داند شما چه کاره هستید که برای مولا علی تکلیف تعیین می کنید؟ در مورد وضع هم حقیر گفتم، وضو در قرآن امده است اما فرقین در ان اختلاف دارند، چه از اصول باشد

چه از اصول نباشد یعنی یکی از فریقین باطلند چون هر دو اتفاق ندارند و خلاف هم وضو می گیرند فلذا این اختلاف باید در قران حل شود یکی راست می گوید وقتی یکی قران را انکار کند یعنی باطل هست با توجه به اینکه وقتی در وضو اختلاف هست که به قول شما کوچک هست چه انتظاری در اموری بزرگتر چون امامت هست، فدا شما وقتی مشکل کوچکم را بضاعت حل کردن ندارید به طریق اولی ادعایی نباید در امور بزرگتر داشته باشید ضمن اینکه اگر وضو باطل باشد یعنی نماز هم باطل هست و نمازی که از واجبات هست فلذا امر کوچکی نیست که شما انرا سبک می شمارید زیرا اشکال در ان باعث جهنمه شدن هست ایه ۴۱ تا ۴۳ سوره المدثر بروید به علمایتان بگویید بیایند با من بحث کنند زیرا شما در حد بنده حقیر نیستید